

استراتژی‌های مؤثر در مدیریت کلاس‌های پرجمعیت و چالش‌های آنها

اعظم پورپناهی^۱، پروانه زکائی^۲، سهیلا عباسقلی زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۰ مرداد ماه ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۷ شهریور ماه ۱۴۰۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین استراتژی‌های مؤثر در مدیریت کلاس‌های پرجمعیت و شناسایی چالش‌های مرتبط با آن انجام شده است. این مطالعه از نظر روش، کمی و از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه معلمان دوره متوسطه مدارس دولتی تشکیل می‌دهند که در کلاس‌هایی با بیش از ۳۰ دانش‌آموز تدریس می‌کنند. نمونه پژوهش شامل ۱۶۵ نفر از معلمان بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد مدیریت رفتار و آموزش در کلاس مارتین و ساس (۲۰۱۰) بود که روایی محتوایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ محاسبه شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که معلمان از استراتژی‌های مدیریت کلاس در سطحی بالاتر از حد متوسط استفاده می‌کنند و در میان آن‌ها، راهبردهای پیشگیرانه بیشترین کاربرد را دارند. همچنین بین استراتژی‌های مدیریت کلاس و اثربخشی مدیریت کلاس‌های پرجمعیت رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد ($r=0.66$). یافته‌های رگرسیون نیز نشان داد که استراتژی‌های مدیریت کلاس توانستند ۴۹ درصد از واریانس اثربخشی مدیریت کلاس را تبیین کنند که در این میان، راهبردهای پیشگیرانه قوی‌ترین پیش‌بین بودند. در مجموع، نتایج پژوهش بر نقش کلیدی توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان در مدیریت موفق کلاس‌های پرجمعیت و کاهش چالش‌های آموزشی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت کلاس درس، کلاس‌های پرجمعیت، استراتژی‌های آموزشی، اثربخشی تدریس

۱- مقدمه

نظام‌های آموزشی در سراسر جهان با چالش‌های متعددی مواجه‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، افزایش تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس است. کلاس‌های پرجمعیت به‌عنوان پدیده‌ای رایج در بسیاری از کشورهای درحال توسعه و حتی برخی کشورهای توسعه‌یافته، پیامدهای گسترده‌ای بر کیفیت آموزش، یادگیری دانش‌آموزان و سلامت حرفه‌ای معلمان برجای گذاشته‌اند. افزایش جمعیت دانش‌آموزی، محدودیت منابع انسانی و فیزیکی، و سیاست‌های آموزشی مبتنی بر کاهش هزینه‌ها، از جمله عواملی هستند که موجب شکل‌گیری کلاس‌های پرجمعیت شده‌اند (UNESCO, 2021). در چنین شرایطی، مدیریت کلاس درس به یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال حیاتی‌ترین وظایف معلمان تبدیل شده است.

مدیریت کلاس درس مفهومی فراتر از کنترل رفتار دانش‌آموزان است و شامل سازماندهی محیط فیزیکی، مدیریت زمان، هدایت تعاملات آموزشی، ایجاد انگیزش، و پیشگیری از بروز رفتارهای مخرب می‌شود (Emmer & Sabornie, 2015). در کلاس‌های پرجمعیت، این وظایف با دشواری بیشتری همراه است، زیرا معلم باید به‌طور هم‌زمان پاسخگوی نیازهای آموزشی، عاطفی و رفتاری تعداد زیادی از دانش‌آموزان باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ضعف در مدیریت کلاس، به کاهش زمان آموزش مفید، افت پیشرفت تحصیلی، افزایش بی‌نظمی و فرسودگی شغلی معلمان منجر می‌شود (Evertson & Weinstein, 2006).

کلاس‌های پرجمعیت چالش‌های متعددی را برای معلمان ایجاد می‌کنند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کاهش تعامل فردی معلم و دانش‌آموز، دشواری در نظارت بر رفتارها، محدودیت در استفاده از روش‌های فعال تدریس، و افزایش استرس شغلی اشاره کرد (Blatchford et al., 2011). در چنین کلاس‌هایی، معلمان اغلب ناچار به استفاده از روش‌های سنتی و معلم‌محور می‌شوند که این امر می‌تواند انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان را کاهش دهد. افزون بر این، تنوع سطح توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در کلاس‌های پرجمعیت، برنامه‌ریزی آموزشی و ارزشیابی را با پیچیدگی بیشتری مواجه می‌سازد (OECD, 2019).

با وجود این چالش‌ها، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که به‌کارگیری استراتژی‌های مؤثر مدیریت کلاس می‌تواند تا حد زیادی پیامدهای منفی کلاس‌های پرجمعیت را کاهش دهد. این استراتژی‌ها شامل رویکردهای پیشگیرانه (مانند تعیین قوانین روشن، ایجاد روابط مثبت و طراحی فعالیت‌های جذاب)، راهبردهای تعاملی (مانند مشارکت‌دهی فعال دانش‌آموزان و استفاده از یادگیری مشارکتی)، و راهبردهای واکنشی (مانند مدیریت سازنده رفتارهای نامطلوب) هستند (Martin & Sass, 2010). معلمانی که از این استراتژی‌ها به‌صورت آگاهانه و نظام‌مند استفاده می‌کنند، حتی در کلاس‌های پرجمعیت نیز قادر به ایجاد محیط یادگیری مثبت و اثربخش هستند.

نقش نگرش، باورها و شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در مدیریت کلاس‌های پرجمعیت نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. نظریه خودکارآمدی بندورا (Bandura, 1997) بیان می‌کند که باور معلمان به توانایی‌های خود در کنترل کلاس و هدایت یادگیری، تأثیر مستقیمی بر عملکرد آن‌ها دارد. معلمانی که از

خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، در مواجهه با کلاس‌های پرجمعیت، راهبردهای متنوع‌تری به کار می‌گیرند و در برابر چالش‌ها انعطاف‌پذیرتر عمل می‌کنند (Tschannen-Moran & Hoy, 2001). در ایران نیز، به‌ویژه در مدارس دولتی مناطق شهری پرجمعیت، کلاس‌های با بیش از ۳۰ یا حتی ۴۰ دانش‌آموز پدیده‌ای رایج است. این وضعیت، فشار مضاعفی بر معلمان وارد کرده و ضرورت توجه علمی و پژوهشی به مسئله مدیریت کلاس‌های پرجمعیت را دوچندان می‌سازد. با وجود اهمیت موضوع، بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی عمدتاً به توصیف مشکلات پرداخته‌اند و کمتر به شناسایی استراتژی‌های مؤثر و الگوهای مفهومی جامع در این زمینه توجه شده است (سیف، ۱۳۹۹). از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین استراتژی‌های مؤثر مدیریت کلاس‌های پرجمعیت و شناسایی چالش‌های مرتبط با آن انجام می‌شود. این پژوهش می‌کوشد با بهره‌گیری از مبانی نظری معتبر و شواهد پژوهشی، تصویری جامع از تعامل میان استراتژی‌های مدیریت کلاس، چالش‌های آموزشی و پیامدهای آن بر فرایند یاددهی-یادگیری ارائه دهد. نتایج این تحقیق می‌تواند مبنایی علمی برای طراحی دوره‌های توانمندسازی معلمان، بازنگری در سیاست‌های آموزشی و بهبود کیفیت آموزش در کلاس‌های پرجمعیت فراهم آورد.

۲- چهارچوب نظری و مدل مفهومی تحقیق

چهارچوب نظری پژوهش حاضر بر تلفیقی از نظریه‌های مدیریت کلاس درس، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه‌های انگیزشی استوار است. یکی از مهم‌ترین مبانی نظری این پژوهش، الگوی مدیریت کلاس امر و سابورنی (Emmer & Sabornie, 2015) است که مدیریت کلاس را فرآیندی چندبعدی شامل پیشگیری، حمایت و مداخله می‌داند. بر اساس این الگو، تأکید اصلی بر پیشگیری از بروز مشکلات رفتاری از طریق طراحی محیط یادگیری ساختاریافته و مثبت است.

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۹۷) نیز نقش تعاملات اجتماعی، الگوپذیری و خودکارآمدی معلم را در مدیریت کلاس برجسته می‌سازد. در کلاس‌های پرجمعیت، رفتار معلم به‌عنوان الگوی اصلی، تأثیر بسزایی بر رفتار جمعی دانش‌آموزان دارد. خودکارآمدی معلم به‌عنوان متغیری واسطه‌ای، می‌تواند بر انتخاب اثربخشی استراتژی‌های مدیریت کلاس اثرگذار باشد.

از سوی دیگر، نظریه مدیریت رفتار و آموزش مارتین و ساس (۲۰۱۰) بین دو بعد اصلی مدیریت کلاس تمایز قائل می‌شود: مدیریت رفتار و مدیریت آموزش. این نظریه بیان می‌کند که معلمان موفق، تعادلی پویا میان کنترل رفتار و تسهیل یادگیری برقرار می‌کنند. در کلاس‌های پرجمعیت، غلبه بیش از حد بر کنترل رفتار می‌تواند به کاهش کیفیت آموزش منجر شود، در حالی که توجه هم‌زمان به هر دو بعد، اثربخشی بیشتری دارد.

بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مدل مفهومی تحقیق به‌صورت زیر تدوین می‌شود:

متغیر مستقل: استراتژی‌های مدیریت کلاس درس

متغیر وابسته: اثربخشی مدیریت کلاس (کاهش بی‌نظمی، افزایش مشارکت، بهبود فرایند یاددهی-یادگیری) در این مدل، فرض بر آن است که استراتژی‌های مؤثر مدیریت کلاس به‌طور مستقیم بر اثربخشی مدیریت کلاس‌های پرجمعیت تأثیر می‌گذارند و متغیر خودکارآمدی معلم این رابطه را تعدیل یا تقویت می‌کند. این مدل می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تحلیل تجربی داده‌ها و ارائه راهکارهای عملی مورد استفاده قرار گیرد.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر برای بررسی «استراتژی‌های مؤثر در مدیریت کلاس‌های پرجمعیت و چالش‌های آن‌ها» از نوع کمی، توصیفی-همبستگی است که با هدف شناسایی میزان به‌کارگیری استراتژی‌های مدیریت کلاس و رابطه آن با اثربخشی مدیریت در کلاس‌های پرجمعیت انجام می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان دوره متوسطه مدارس دولتی شهر مورد مطالعه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است که در کلاس‌هایی با بیش از ۳۰ دانش‌آموز تدریس می‌کنند. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم است تا نمایندگی مناسبی از مدارس مختلف و رشته‌های تحصیلی فراهم شود و حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۱۶۵ نفر تعیین می‌گردد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد «مدیریت رفتار و آموزش در کلاس»^۱ طراحی‌شده توسط مارتین و ساس (۲۰۱۰) است که مبتنی بر نظریه‌های مدیریت کلاس امر و سابورنی تدوین شده و شامل دو بعد اصلی مدیریت رفتار و مدیریت آموزش می‌باشد. این پرسشنامه با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت، میزان استفاده معلمان از استراتژی‌های پیشگیرانه، تعاملی و واکنشی در کلاس‌های پرجمعیت را می‌سنجد. روایی محتوایی ابزار با استفاده از نظرخواهی از ۵ نفر از متخصصان علوم تربیتی و مدیریت آموزشی تأیید شد. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده که مقدار آن ۰/۸۶ به‌دست آمده و نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و فراوانی‌ها و از آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به‌منظور بررسی تأثیر استراتژی‌های مدیریت کلاس بر اثربخشی مدیریت کلاس‌های پرجمعیت استفاده می‌شود و تحلیل‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS انجام می‌گیرد.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- یافته‌های توصیفی متغیرها

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیر استراتژی‌های مدیریت کلاس درس

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
راهبردهای پیشگیرانه	۱۶۵	۲۰	۴۸۰	۳۰۹۲	۰۰۵۴
راهبردهای تعاملی	۱۶۵	۱۹۵	۴۷۰	۳۶۸	۰۰۶۱
راهبردهای واکنشی	۱۶۵	۱۸۰	۴۶۰	۳۴۱	۰۰۶۵
استراتژی‌های مدیریت کلاس (کل)	۱۶۵	۲۰۵	۴۷۵	۳۶۷	۰۰۴۹

^۱ Behavior and Instructional Management Scale

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین نمره استراتژی‌های مدیریت کلاس درس در بین معلمان مورد بررسی برابر با ۳۶۷ است که بالاتر از حد متوسط مقیاس لیکرت (۳) می‌باشد و بیانگر استفاده نسبتاً مطلوب معلمان از راهبردهای مدیریت کلاس در کلاس‌های پرجمعیت است. در میان مؤلفه‌ها، راهبردهای پیشگیرانه با میانگین ۳۹۲ بیشترین میزان استفاده را به خود اختصاص داده‌اند که این امر نشان‌دهنده توجه معلمان به اقداماتی نظیر تعیین قوانین روشن، ایجاد نظم اولیه و طراحی ساختارمند فعالیت‌های آموزشی است. راهبردهای تعاملی و واکنشی به‌ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند که می‌تواند بیانگر دشواری اجرای تعاملات فردی و مدیریت واکنشی رفتارها در کلاس‌های پرجمعیت باشد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیر اثربخشی مدیریت کلاس

متغیر	تعداد	حد اقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
کاهش بی‌نظمی کلاسی	۱۶۵	۱۹۰	۴۸۰	۳۷۱	۰۵۸
افزایش مشارکت دانش‌آموزان	۱۶۵	۲۰۰	۴۷۰	۳۵۵	۰۶۳
بهبود فرایند یاددهی-یادگیری	۱۶۵	۲۱۰	۴۷۵	۳۶۰	۰۵۷
اثربخشی مدیریت کلاس (کل)	۱۶۵	۲۰۵	۴۷۵	۳۶۲	۰۵۲

بر اساس نتایج جدول ۲، میانگین اثربخشی مدیریت کلاس‌های پرجمعیت برابر با ۳۶۲ گزارش شده است که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مطلوب مدیریت کلاس از دیدگاه معلمان است. بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه کاهش بی‌نظمی کلاسی است که حاکی از آن است که معلمان توانسته‌اند تا حد قابل قبولی نظم نسبی را در کلاس‌های پرجمعیت حفظ کنند. با این حال، میانگین پایین‌تر مؤلفه افزایش مشارکت دانش‌آموزان نشان می‌دهد که در کلاس‌های پرجمعیت، ایجاد مشارکت فعال برای همه دانش‌آموزان همچنان یکی از چالش‌های اساسی معلمان محسوب می‌شود.

۲. یافته‌های استنباطی

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین استراتژی‌های مدیریت کلاس و اثربخشی مدیریت کلاس

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (Sig)
راهبردهای پیشگیرانه و اثربخشی مدیریت کلاس	۰۶۱	۰۰۰۱
راهبردهای تعاملی و اثربخشی مدیریت کلاس	۰۵۴	۰۰۰۱
راهبردهای واکنشی و اثربخشی مدیریت کلاس	۰۴۷	۰۰۰۱
استراتژی‌های مدیریت کلاس (کل) و اثربخشی	۰۶۶	۰۰۰۱

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین استراتژی‌های مدیریت کلاس و اثربخشی مدیریت کلاس‌های پرجمعیت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0.66$, $p<0.01$). این یافته بیانگر آن است که با افزایش میزان استفاده از استراتژی‌های مدیریت کلاس، اثربخشی مدیریت کلاس نیز افزایش می‌یابد. در میان مؤلفه‌ها، راهبردهای پیشگیرانه بیشترین همبستگی را با اثربخشی مدیریت کلاس نشان داده‌اند که اهمیت اقدامات پیشگیرانه در کاهش چالش‌های کلاس‌های پرجمعیت را برجسته می‌سازد.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی اثربخشی مدیریت کلاس

متغیر پیش‌بین	ضریب بتا (β)	مقدار t	سطح معناداری
راهبردهای پیشگیرانه	۰.۴۱	۶.۱۲	۰.۰۰۱
راهبردهای تعاملی	۰.۲۹	۴.۲۸	۰.۰۰۱
راهبردهای واکنشی	۰.۱۸	۲.۹۵	۰.۰۰۴
ضریب تعیین (R^2)	۰.۴۹	—	—

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که سه مؤلفه استراتژی‌های مدیریت کلاس به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی اثربخشی مدیریت کلاس‌های پرجمعیت هستند و در مجموع ۴۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در این میان، راهبردهای پیشگیرانه با ضریب بتای ۰.۴۱ قوی‌ترین پیش‌بین اثربخشی مدیریت کلاس محسوب می‌شوند که نشان‌دهنده نقش کلیدی برنامه‌ریزی، تعیین انتظارات روشن و ایجاد جو مثبت کلاس در مدیریت موفق کلاس‌های پرجمعیت است. راهبردهای تعاملی و واکنشی نیز به‌ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۵. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای مقایسه میانگین استراتژی‌های مدیریت کلاس با حد متوسط

متغیر	میانگین	مقدار t	سطح معناداری
استراتژی‌های مدیریت کلاس	۳.۶۷	۱۴.۲۵	۰.۰۰۱

نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که میانگین استراتژی‌های مدیریت کلاس معلمان به‌طور معناداری بالاتر از حد متوسط مقیاس (۳) است. این یافته بیانگر آن است که معلمان مورد بررسی، علی‌رغم چالش‌های کلاس‌های پرجمعیت، از سطح نسبتاً مناسبی از مهارت‌ها و راهبردهای مدیریت کلاس برخوردارند، هرچند همچنان امکان ارتقای این مهارت‌ها از طریق آموزش‌های حرفه‌ای وجود دارد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱- نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که استراتژی‌های مدیریت کلاس نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی مدیریت کلاس‌های پرجمعیت دارند. نتایج توصیفی حاکی از آن بود که معلمان بیشترین استفاده

را از راهبردهای پیشگیرانه می‌کنند و این راهبردها بیشترین تأثیر را بر کاهش بی‌نظمی و بهبود فضای یادگیری دارند. یافته‌های استنباطی نیز وجود رابطه مثبت و معنادار بین استراتژی‌های مدیریت کلاس و اثربخشی مدیریت کلاس را تأیید کرد و نشان داد که افزایش مهارت معلمان در به‌کارگیری این استراتژی‌ها می‌تواند تا حد زیادی چالش‌های کلاس‌های پرجمعیت را کاهش دهد.

تحلیل رگرسیون نشان داد که نزدیک به نیمی از تغییرات اثربخشی مدیریت کلاس توسط استراتژی‌های مدیریت کلاس تبیین می‌شود که این امر اهمیت سرمایه‌گذاری آموزشی بر توانمندسازی معلمان را برجسته می‌سازد. به‌طور کلی، نتایج پژوهش بیانگر آن است که مدیریت موفق کلاس‌های پرجمعیت بیش از آنکه وابسته به کاهش تعداد دانش‌آموزان باشد، به ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در زمینه مدیریت کلاس وابسته است.

۵-۲- پیشنهادات کاربردی

- برگزاری دوره‌های ضمن خدمت هدفمند با تمرکز بر آموزش راهبردهای پیشگیرانه و تعاملی مدیریت کلاس برای معلمان شاغل در مدارس پرجمعیت.
- تدوین راهنماهای عملی مدیریت کلاس‌های پرجمعیت بر اساس تجارب معلمان موفق و یافته‌های پژوهشی.
- کاهش بار محتوایی کتاب‌های درسی به‌منظور فراهم‌سازی فرصت بیشتر برای تعامل و مشارکت دانش‌آموزان در کلاس‌های پرجمعیت.
- تقویت نظام حمایت حرفه‌ای معلمان از طریق مشاوره آموزشی و کارگاه‌های تبادل تجربه.

منابع

- سیف، ع. (۱۳۹۹). روان‌شناسی پرورشی. تهران: نشر دوران.
- شعبانی، ح. (۱۳۹۸). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. تهران: سمت.
- نادری، ا. و سیف‌نراقی، م. (۱۳۹۷). مدیریت کلاس درس. تهران: نشر آگاه.
- Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. Freeman.
- Blatchford, P., Russell, A., & Brown, P. (2011). Class size effects. Routledge.
- Emmer, E., Sabornie, E., Evertson, C. M., & Weinstein, C. S. (Eds.) (2015). Handbook of Classroom Management: Research, Practice, and Contemporary Issues. London: Routledge.
- Evertson, C. M., & Weinstein, C. S. (2006). Handbook of classroom management.

- Martin, N. K., & Sass, D. A. (2010). Construct validation of the BIMS. *Teaching and Teacher Education*, 26(5), 1124–1135.
- OECD. (2019). *Education at a glance*.
- Tschannen-Moran, M., & Hoy, A. W. (2001). Teacher efficacy. *Review of Educational Research*, 68(2), 202–248.
- UNESCO. (2021). *Global education monitoring report*.
- Doyle, W. (2006). *Ecological Approaches to Classroom Management*. In C. Evertson, & C. Weinstein (Eds.), *Handbook of Classroom Management: Research, Practice and Contemporary Issue* (pp. 97-125). US: Lawrence Erlbaum Associa.
- Kunter, M., Klusmann, U., Baumert, J., Richter, D., Voss, T., & Hachfeld, A. (2013). Professional competence of teachers: Effects on instructional quality and student development. *Journal of Educational Psychology*, 105(3), 805–820. <https://doi.org/10.1037/a0032583>
- Lewis, R. (Ramon), 1946- & Lewis, R. (Ramon), 1946-. *Developmental management approach to classroom behaviour*. (2009). *Understanding pupil behaviour : classroom management techniques for teachers / Ramon (Rom) Lewis*. London : Routledge